



ارزیابی حقوقی فاجعه حلبچه و انفال و تاثیرات آن در تحول حقوق بین الملل

اسعد اردلان*

محمد رامبد فرهودی مقدم**

چکیده

این مقاله در پی ارزیابی حقوقی فاجعه بمباران شیمیایی شهر حلبچه و نسل کشی انفال و تاثیرات آن در تحول حقوق بین الملل است. اساس استدلال متکی بر تاثیراتی است که فاجعه حلبچه و انفال بر اسناد حقوق بین المللی برجا نهاده است. به همین جهت نویسنده پژوهش حاضر با بهره از روش‌های پژوهش تاریخی و تحلیلی ضمن بررسی تحول مفهوم حقوق بشر دوستانه بین المللی به تحولات نظام حقوقی خلع سلاح شیمیایی تحت تاثیر فاجعه حلبچه و انفال می پردازد و در فرجام مقاله ضمن بررسی آزمون فرضیه به این حاصل می رسد که جنایات حلبچه و انفال در تحول دو نظام حقوقی یاد شده اثرات مهمی را بر جا نهاده است.

کلید واژه‌ها

بمباران شیمیایی حلبچه، سلسله عملیات‌های انفال، حقوق بین الملل، مداخله بشر دوستانه، خلع سلاح شیمیایی.

*. هیئت علمی، عضو گروه حقوق و روابط بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنجند، ایران.

** . دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

مقدمه

رویدادها و تحولات بین‌المللی ضمن اینکه جغرافیای سیاسی را تحت تاثیر خود قرار می‌دهند، بر دانش حقوقی نیز اثر می‌گذارند. به بیان دیگر تحولات حقوقی که در پیروی از رویدادهای بین‌المللی صورت می‌گیرد به پویایی حقوق بین‌الملل انجامیده است. در حال حاضر این پویایی به تحول گسترده در روابط بین‌الملل منجر شده است و حقوق حاکم بر روابط بین‌الملل بیش از پیش گسترش یافته و در جهت تکامل پیش می‌رود. در این میان جنگ‌ها (اعم از داخلی یا بین‌المللی) به‌عنوان اصلی‌ترین منشا تحول، اگرچه موجبات پامال شدن حقوق انسانی و بین‌المللی را فراهم می‌آورد. اما هراس و انزجار و هزینه‌های گزاف مالی و انسانی ناشی از آن جامعه انسانی را وا داشته است که برای تقلیل و جلوگیری از آلام انسانی جنگ، مقرراتی را در محدود کردن آن ایجاد کنند.

رویدادهای فاجعه باری که در دهه‌های ۸۰ میلادی در مناطق کرد نشین عراق خصوصاً در شهر حلبچه روی داد، تاثیرات فراوانی در زوایای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حقوقی بر جا نهاد. در این پژوهش کوشش شده است با طرح سوال: **چگونگی تاثیر فاجعه حلبچه و انفال در تحولات حقوق بین‌الملل؟** به بررسی زوایای تحولات حقوقی آن در قالب دو فصل پرداخته شود. در فصل نخست به بررسی تحولات مفهوم مداخله بشر دوستانه با آزمون فرضیه **تحولات نوین در مفهوم مداخله بین‌المللی بشر دوستانه تحت تاثیر فاجعه حلبچه و انفال روی داده است** اختصاص داده شده است و در فصل دوم به بررسی تحولات ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی به آزمون دومین فرضیه با موضوع **فاجعه حلبچه اثر مهمی در تحول نظام حقوق بین‌المللی خلع سلاح شیمیایی ایفا کرده است** پرداخته شده است و در نهایت در فرجام پژوهش نویسنده به بیان نظرات و آزمون فرضیه‌ها به بیان استدلال‌های حقوقی پرداخته است.

فصل اول: ارزیابی حقوقی فاجعه حلبچه و انفال در تحول مفهوم مداخله بشر دوستانه

۱-۱- مفهوم مداخله بشر دوستانه

در بررسی مداخله بشر دوستانه که از ترکیب دو واژه "مداخله" و "بشر دوستانه" تشکیل شده است. در باب مفهوم مداخله "intervention" باید اشاره کرد که تعریفی جامع از مداخلات ارتباط نزدیکی با مفهوم حاکمیت و تحولاتی که در ازای زمان در این مفهوم به‌وجود آمده و سبب بروز تغییرات بسیار وسیعی در مفهوم مداخله گردیده است. (سرتیبی، ۱۳۸۶، ص ۴۱) در دایره المعارف حقوق بین‌الملل عمومی تحت عنوان تعریف و تبیین مفهوم مداخله چنین آمده است: "با اینکه مفاهیم مداخله و عدم مداخله متعلق به اصولی است که در حقوق بین‌المللی بیشتر از هر چیزی مورد بحث واقع شده و کشورها همواره سعی نموده‌اند هرگونه دخالت کشور دیگر در اموری که آنها داخلی و درون مرزی تلقی می‌کنند غیر قانونی معرفی نمایند. اما مرز روشن و تعاریف کار سازی در این خصوص هنوز وجود ندارد. طبق نظر

غالب نویسندگان مداخله آن است که کشوری در امور داخلی یا خارجی کشور دیگر به منظور وادار کردن آن کشور به انجام رفتاری نفوذ کند و بدین وسیله بر او فشار آورد و اراده حاکم کشور تحت مداخله را نقض نماید." (Encyclopedia of public international law, Vol.3(A-M), P.233) در خصوص واژه بشر دوستانه حقوقدانان نظرات متعددی بیان نمودند از جمله ژاک موژن در این زمینه می‌گوید: "وصف بشردوستانه ممکن است تا آنجا گسترش یابد که آنچه را مربوط به ضمیر و صلاحیت بشریت است در بر گیرد. معنای دیگری نیز می‌توان عرضه کرد و عبارت است از اینکه بشر دوستانه آن چیز است که مربوط به حیات انسان است. در این قسمت باید به این نکته توجه نمود که حفظ و صیانت از حیات انسان به‌عنوان هدف نهایی، نیازمند فعل یا ترک فعلی است. که بطور مستقیم یا غیرمستقیم و کم و بیش موجودیت فیزیولوژیک انسان را مطرح می‌سازد، نوشاندن، غذا دادن، پناه دادن، حمایت از جابه‌جایی یا مهاجرت‌های اجباری و دیگر رفتارهای غیرانسانی یا مغایر شئون بشری، دامنه و حد فراگیری بشر دوستی را چنان گسترده نموده است که در تحصیل آخر آنچه رنج به بار می‌آورد جز مرگ را در بر می‌گیرد البته به غیر از مرگ چنان معنای دقیقی که از دامنه و فراگیری گسترده‌ای برخوردار است در کنوانسیون‌های چهار گانه ژنو گنجانده شده است." (ژاک موژن ۱۳۷۷، ۲۳، ص ۱۴۹)

۱-۱-۱- مفهوم کلاسیک مداخله بشر دوستانه

امروزه مداخله کشورها و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در امور داخلی کشورهای دیگر پدیده جدیدی در روابط بین‌المللی نیست در گذشته جنگ و مداخله در جهت تامین منافع انسانی چه در جامعه داخلی و چه در فضای بین‌المللی یک حقیقت رایج و متداول بوده است. در خصوص پیدایش ریشه‌های دکتترین مداخله بشر دوستانه باید گفت که نوشته‌های حقوقدانان برجسته حقوق بین‌المللی همانند: واتل حقوقدان سوئیسی راجع به مداخله بشر دوستانه چنین می‌نویسد "اگر پادشاهی حقوق اساسی مردم را زیر پا بگذارد، مردم دلیل مشروعی برای مقاومت دارند. اگر استبداد غیرقابل تحمل شود و موجب قیام مردم گردد، هر قدرت خارجی حق دارد در صورتی که مردم مظلومی از آن بخواهد به حمایت از آن برخیزد." (E. De Vatiel, 1974, P.214.) هوگو گرسیوس راجع به مداخله بشر دوستانه چنین نوشته است: "یک مسئله دیگر وجود دارد آن اینکه جنگ به خاطر اتباع دولت دیگر و برای دفاع از آنها در مقابل جراحات وارده توسط حاکمان‌شان می‌تواند جنگ مشروع باشد... اما اگر یک مستبد مرتکب اعمال بیرحمانه علیه اتباعش بشود که هیچ عادل نمی‌تواند آن را تایید کند در چنین صورتی حق ارتباط اجتماعی انسان از بین نمی‌رود" از سوی دیگر اشاره بور چارد به مداخله بشر دوستانه بیشتر روشن کننده است: هنگامی که تحت شرایط ویژه‌ای دولتی حقوق معینی شهروندان را که بر آنها حاکمیت مطلق دارد، نادیده بگیرد دیگر دولت‌های خانواده ملل حق دارند که بنا به دلائل انسانی مداخله کنند. (Grotius, p. 438 p. 214) حقوقدانان یاد شده در بازه زمانی قرن شانزدهم تا نوزدهم در تلاش

بودند تا جنگ را مشروع و نا مشروع تقسیم نمایند. اما همواره در واقعیت تفکیک میان جنگ مشروع و نا مشروع بیهوده بود و کوشش حقوقدانان برای تفکیک آنها بی‌نتیجه ماند، چرا که در آخر تشخیص اینکه آیا موردی برای جنگ مشروع وجود دارد یا خیر؟ و پس از شروع تا چه زمانی جنگ مشروع تلقی می‌شود، در اختیار دولت‌های توانمند بود. به هر صورت کاربرد زور و نیروی نظامی توسط کشوری دیگر به منظور حمایت از اتباع خود پیوسته جنگی مشروع تلقی می‌شد، به‌عنوان مثال: انگلستان و فرانسه بارها برای تأمین این هدف در کشورهای دیگر اقدام به پیاده کردن نیروی نظامی نمودند. بطور کلی باید گفت در صورت ضرورت این‌گونه تجاوزات نظامی در حقوق بین‌الملل عرفی در آن زمان مجاز و مشروع تلقی می‌شدند. (See C. H. M. Waldock, *The Regulation of the force by Individual States in International Law*, RCADI, 1925, vol.23, 1946, pp. 1-53.)

در تعریف دیگر مداخله بشر دوستانه از منظر اوپنهام در صورت وقوع شرایطی مجاز می‌باشد، "هنگامی که دولتی با اعمال رفتار بی‌رحمانه علیه اتباعش و با تعقیب آنها حقوق اساسی اتباع خود را به نحوی زیر پا می‌گذارند که موجب جریحه‌دار شدن وجدان بشریت می‌شود." (Oppenheim, 1955. P. 312.) در تعریف مداخله بشر دوستانه در دایره‌المعارف حقوق بین‌الملل آمده است: "مداخله زورمندانه و موثر یک دولت در قلمروی دولت به منظور حمایت از افرادی که حیاتشان مورد تهدید قرار داشته و در معرض خطر رفتارهای وحشیانه و غیرانسانی می‌باشند." (The International Dictionary, 1967, p.330.) در نتیجه با توجه به تعاریف و مطالب پیشین، مداخله بشر دوستانه در مفهوم کلاسیک آن عبارت است از مداخله یک یا چند دولت در امور داخلی دیگر با توسل به زور و بنا به مقاصد و نیات انسان دوستانه مطابق با این تعریف اقدام به مداخله بشر دوستانه از سوی سازمان‌های بین‌المللی مطرح نمی‌باشد.

۱-۲- تحولات مفهوم و رویه مداخله بشر دوستانه در دوران معاصر

پس از جنگ دوم جهانی و تصویب منشور ملل متحد، اصل مداخله بشر دوستانه پیش از هر زمان دیگری در معرض حذف شدن قرار گرفت. قواعد منشور ملل متحد در زمینه منع توسل به زور در روابط بین‌الملل موجب تحول اساسی در عرصه حقوق و جامعه بین‌الملل شد. پیش از سال ۱۹۴۵ یک سلسله قواعد عرفی وجود داشت که استفاده از زور به وسیله دولت‌ها را تنظیم می‌کرد. اما در سال ۱۹۴۵ با تدوین منشور و تشکیل سازمان ملل متحد، هرگونه توسل به زور به موجب بند ۴ ماده ۲ منع شد و دولت‌ها در استفاده از زور و تهدید به استفاده از آن منع شدند. اصل مذکور در دیگر منابع حقوق بین‌الملل هم مورد تأکید قرار گرفت به‌ویژه در قطعنامه مجمع عمومی همانند اعلامیه غیرقانونی بودن مداخله در امور داخلی دولت‌ها (۱۹۶۵)، اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل درباره روابط دوستانه (۱۹۷۰)، قطعنامه تعریف تجاوز (۱۹۷۴) و اعلامیه افزایش کارایی اصل خوداری از تهدید یا استفاده از زور در روابط بین‌الملل (۱۹۸۷) مورد تأکید قرار گرفته است. (میرزایی ینگچه، ۱۳۷۳ ص ۱۱۵) البته از دوران پس از تصویب منشور ملل متحد چندین مرتبه مداخله بشر دوستانه به‌صورت یک جانبه صورت گرفت. مداخله

هند در پاکستان شرقی (میرزایی ینگچه، ۱۳۷۳، ص ۱۴۲)، مداخله تانزانیا در اوگاندا ۱۹۷۹ (میرزایی ینگچه، ۱۳۷۳ ص ۱۴۲)، مداخله آمریکا در گرانادا ۱۹۸۳ و مداخله ویتنام در کامبوج ۱۹۸۷ از جمله آنها می‌باشند. (جوینر، ۱۳۶۸، ص ۱۴۳)

۱-۳- بررسی تحول مفهوم مداخله بشر دوستانه تحت تاثیر وقایع حلبچه و نسل کشی انفال

در سپتامبر ۱۹۸۸ فرانسو میتران رئیس جمهوری فرانسه طی نطقی در چهل و سومین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای نخستین بار در رابطه با فاجعه حلبچه^۱ و انفال^۲ سخن از وظیفه یا تکلیف مداخله بشر دوستانه را به میان آورد. در این نطق رییس جمهوری فرانسه اظهار داشت که جامعه بین‌المللی موظف است برای مقابله با فجایع انسانی وضعیت اضطراری ناشی از بی‌عدالتی که بر مردم غیرنظامی که این چنین تحت ستم و خشونت دولت‌ها قرار می‌گیرند یاری برساند. این موضع‌گیری که بیان‌کننده احساسات اکثر دولت‌های اروپایی بود راه را برای سازمان‌های بین‌المللی بشر دوستانه اعم از دولتی و غیردولتی هموار ساخت. از آن پس این وظیفه چندین بار به صورت‌های مختلف و در شرایط گوناگون به مرحله اجرا در آمد. سازمان‌های بین‌المللی سعی کردند در چند نقطه جهان با پشتیبانی دولت‌ها و با استفاده و تکیه بر افکار عمومی جهان به مناطق ممنوعه راه یافته به مردم آسیب دیده یاری برسانند. این سلسله فعالیت‌ها منجر به تصویب قطعنامه ۶۱۲ در تاریخ ۶ مه ۱۹۸۸ و قطعنامه ۶۸۸ در ۵ آوریل ۱۹۹۱ توسط شورای امنیت سازمان ملل گردید. که ضمن محکومیت استفاده از سلاح شیمیایی در مناطق شمال عراق خواهان حق دسترسی آزادانه به آسیب دیدگان اوضاع اضطراری را برای سازمان‌های بشر دوستانه و همچنین ایجاد و دالان یا منطقه امن برای محافظت بشر دوستانه را در داخل قلمرو

۱. حمله شیمیایی به حلبچه که به کشتار حلبچه یا جمعه خونین نیز شناخته می‌شود، یک نسل‌کشی مردم کرد بود که در ۱۶ مارس ۱۹۸۸ به وسیله بمباران شیمیایی توسط نیروهای دولتی عراقی در شهر حلبچه کردستان عراق در طی روزهای پایانی جنگ ایران و عراق روی داد که وخیم‌ترین مورد استفاده از جنگ‌افزارهای شیمیایی از زمان جنگ جهانی اول علیه غیرنظامیان بوده است و به‌عنوان هولناک‌ترین جنایت علیه بشر «توسط سلاح شیمیایی» در این دوره محسوب می‌شود. تراژدی که در آن دست‌کم پنج هزار غیرنظامی کُرد در دم جان باختند و بیش از هفت هزار نفر دیگر به جراحات‌های مرتبط با مواد شیمیایی سمی مبتلا شدند.

۲. عملیات انفال: سلسله عملیاتی در سال ۱۹۸۸ تا ۱۹۸۹ بود که در جریان آن نیروهای رژیم بعث عراق که به طور مستقیم از صدام حسین فرمان می‌گرفتند، هزاران نفر از (یکصد و هشتاد هزار تن شامل هشتاد بارزانی و چند ده هزار گرمیانی) کردهای عراقی را قتل عام کردند. در طی عملیات هفت ماهه انفال از فوریه تا سپتامبر ۱۹۸۸، که تنها در استان‌های کرکوک، دیاله، نینوا و صلاح‌الدین، اجرا شد، بیش از سه هزار روستا نابود و بیش از یکصد و هشتاد هزار نفر مردم بی‌دفاع از سوی ارتش و ماموران امنیتی و اطلاعاتی عراق به قتل رسیدند. در همین راستا نیز شهرهای حلبچه، طویلا، خورمال، سید صادق، پینجویین، قلعه دیزه، سنگ سر، جوارتا، قلاچولان و ماوهت به تمامی ویران و از سکنه خالی گردیدند. استفاده از اسلحه شیمیایی و کشتار حلبچه در جریان عملیات انفال روی داد. (David McDowall, A Modern History of the Kurds, pp 504)

سرزمینی و هوایی دولت عراق را تعیین کرد. در واقع قطعنامه ۶۸۸ شورای امنیت سازمان ملل را باید گامی بلند و مهم به سوی تحول بنیادین حقوق بشر دوستانه و سرآغاز حقوق بشر دوستانه نوین باید بشمار آورد. آنچه که این مداخله را از مواد تاریخی پیشین متمایز می‌سازد به لحاظ تحول مداخله انفرادی دولت‌ها به اقدام جمعی جامعه بین‌المللی توسط سازمان‌های بین‌المللی است. در خصوص اقدام شورای امنیت براساس قطعنامه ۶۸۸ در جریان سرکوب مردم کردستان عراق موضوع کاربرد و یا تهدید به استفاده از زور سوی دولتی توسط دولت دیگر مطرح نبود بلکه شورای امنیت در امری مداخله نمود که براساس حقوق بین‌الملل یک موضوع داخلی یک عضو سازمان ملل به حساب می‌آمد. شورای امنیت در برخورد با این قضیه دو نکته را توجه داشت: نخست آنکه ابعاد انسان دوستانه قضیه آن‌چنان وسیع بود که نمی‌توانست نسبت با قضیه بی‌تفاوت بماند و دیگر آنکه سرازیر شدن حدود دو میلیون تن مردم کرد به کشورهای مجاور ایران و ترکیه قطعاً تهدید کننده صلح و امنیت بین‌الملل بود. در واقع اقدام چند ملیتی که در چهارچوب قطعنامه ۶۸۸ سازمان ملل انجام شد، احتمالاً زمینه‌ساز مشروعیت اقدامات بعدی که در یوگسلاوی سابق، سومالی، کوزو و لیبی بوده را به‌وجود آورد و از آن زمان است که جامعه بین‌المللی تمایل خود را به اتکا بر ملاحظیات بشر دوستانه به‌عنوان مبنایی برای مداخله در آنچه اساساً مناقشات داخلی است نشان داده است. (ربکا والاس، ۱۳۸۲، ص ۳۱۹)

فصل دوم: بررسی تحولات ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی

۲-۱- تاریخچه کاربرد سلاح‌های شیمیایی

در تاریخ زندگی بشر شواهد زیادی حاکی از تلاش انسان در استیلا بر دیگری وجود دارد. از این رو انسان‌ها به دلایل مختلف با یکدیگر به جنگ پرداخته‌اند، و در این ستیزها از ابزارهای مختلف از جمله سلاح‌های شیمیایی استفاده نموده‌اند. بر همین اساس به کارگیری سلاح‌های شیمیایی البته به شیوه ابتدایی می‌تواند به قدمت تاریخ بشر باشد. در بررسی تاریخی، مورخان به کارگیری سلاح‌های شیمیایی را شش قرن پیش از میلاد مسیح دانسته‌اند. که به شیوه‌های مسموم کردن آب آشامیدنی و افروختن آتش در زیر دیوارهای قلعه دشمن، آنان را وادار به تسلیم می‌کردند. (رسالت ۶۷/۱/۲۲، ص ۴)

«توسیدید^۱» مورخ یونانی گزارش کرده است که در خلال جنگ «پلوپونز^۲» میان دولت شهرهای یونان، اسپارته‌ها در حمله به یک دژ نظامی از دود ناشی از سوزاندن چوب، سولفور و قیر استفاده کرده‌اند. نوشته‌های دیگری نیز به کاربرد مواد مشابهی از سوی هندی‌ها، چینی‌ها و اروپاییان در قرون وسطی دلالت دارند (اردلان، ۱۳۸۹، ص ۹۹۳). با شروع جنگ جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴ میلادی) استفاده از جنگ‌افزارهای شیمیایی گسترش یافت. به‌صورت رسمی آلمان در اکتبر ۱۹۱۴ در نوشاپل از گلوله‌های

1. Thucydides
2. Peloponnesian

حاوی گاز اشک‌آور علیه فرانسوی‌ها استفاده کرد. از سوی دیگر کشورهای بریتانیا، فرانسه، آمریکا، مجارستان، ایتالیا، روسیه نیز از سلاح‌های شیمیایی استفاده کردند. (علایی، ۱۳۷۱، ص ۴۴) در مجموع در طول چهار سال جنگ جهانی اول حدود یکصد و سیزده هزار تن مواد شیمیایی بکار گرفته شد که در پی آن حدود نود هزار نفر جان خود را از دست دادند و یک میلیون و سیصد هزار تن در معرض خطرات و آسیب مواد شیمیایی قرار گرفتند.^۱ علی‌رغم انزجار بین‌الملل ناشی از اثرات بکارگیری سلاح‌های شیمیایی، در میانه دو جنگ جهانی نیز از مواد شیمیایی در اوایل دهه ۱۹۲۰ از سوی نیروهای بریتانیا در سرزمین‌های مستعمره هند و خاورمیانه، و از جانب اسپانیایی‌ها و فرانسوی‌ها علیه مبارزان مراکشی در «ریف» به کار گرفته شد. همچنین گزارش‌های از استفاده سلاح‌های شیمیایی توسط ایتالیا علیه مردم اتیوپی و ژاپن در جنگ با چین علیه این کشور در سال‌های ۷- ۱۹۳۵ منتشر شده است. (حسین علایی، ۱۳۷۱، ص ۴۶) در همین دوره رقابت‌های تسلیحاتی میان قدرت‌های بزرگ آغاز شده بود و خصوصاً که در زمینه توسعه سلاح‌های شیمیایی کشورها به پیشرفت‌های وسیعی در آن دوره رسیده بودند. این کشفیات شامل گازهای خردل، سارین و تابون بود. اما در جنگ دوم جهانی کشورهای متخاصم علی‌رغم انباشت وسیع ذرات‌خانه‌های سلاح شیمیایی به‌جز چند مورد جزئی از سلاح شیمیایی استفاده نمودند. از دلایل خودداری از بکارگیری وسیع سلاح شیمیایی در جنگ، نگرانی از اقدام تلافی جویانه و موازنه وحشت شیمیایی بود زیرا هیچ طرفی از مخاصمه توانایی یک حمله شیمیایی تمام عیار و تمام کننده را نداشتند. (بعیدی نژاد، ص ۱۲) پس از پایان جنگ دوم جهانی در اوایل دهه ۱۹۷۰ گزارش‌هایی از استفاده از مواد شیمیایی سمی توسط آمریکای‌ها در جنگ ویتنام مطرح شد، همچنین در جنگ یمن (۶۷ - ۱۹۶۳ میلادی) و مصر از سلاح شیمیایی استفاده کرد و بحث‌هایی نیز در مورد اتحاد جماهیر شوروی در جنگ افغانستان در مورد بکارگیری سلاح شیمیایی بازتاب یافت. (Bailey, 1972, P.132) با شروع جنگ عراق با ایران در میانه سال‌های ۸۹ - ۱۹۸۴ دولت ایران بیش از ۲۵۲ مورد حمله شیمیایی عراق علیه ایران را در سازمان ملل به ثبت رساند که وسیع‌ترین و زیان بخش‌ترین آن‌ها حمله شیمیایی ۷/تیر/۱۳۶۶ به مناطق غیرنظامی شهر سردشت بود که نزدیک به هزار تن کشته و مجروح شدند. (نجفی، ۱۳۵۷، ص ۱۳) اما فاجعه‌بارترین مورد کاربرد سلاح‌های شیمیایی، توسط عراق در چهارچوب سلسله عملیات‌های هشت‌گانه انفال در اول مارس ۱۹۸۸ بوده است. این وخیم‌ترین مورد استفاده از جنگ‌افزارهای شیمیایی از زمان جنگ جهانی اول علیه غیرنظامیان بوده است. و به‌عنوان هولناک‌ترین جنایت علیه بشر «توسط سلاح شیمیایی» در این دوره محسوب می‌شود. تراژدی که در آن دست‌کم پنج هزار غیرنظامی کُرد جان باختند و بیش از هفت هزار نفر دیگر به جراحات‌های مرتبط با مواد شیمیایی سمی مبتلا شدند. (اردلان، زمستان ۱۳۸۹، ص ۹۹۵) آخرین مورد استفاده از سلاح‌های شیمیایی در خلال جنگ داخلی سوریه به تاریخ ۲۱ اوت ۲۰۱۳ با بکارگیری گاز سارین در

۱. [HTTP://www.OPCW.org/29April/why-we-Remember.HTM](http://www.OPCW.org/29April/why-we-Remember.HTM)

حومه دمشق می‌باشد که میزان تلفات انسانی آن را حدود ۳۰۰ تن تخمین زده‌اند، حکومت سوریه موافقت کرد تا تسلیحات شیمیایی خود را به نهادهای بین‌المللی تحویل دهد.^۱

۲-۲- تلاش برای ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی در حقوق بین‌الملل

ایجاد دنیا و زندگی امن و همچنین انزجار و هراس از بکارگیری سلاح‌های شیمیایی که تصاویر وحشتناکی را در اندیشه انسانی حک کرده است، شاید اصلی‌ترین محرک و موضوع تاریخ مذاکرات مربوط به ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی بوده است. در واقع این مذاکرات در چهارچوب تلاش‌های بین‌المللی یا یک جانبه بازیگران بین‌المللی در تصویب مقررات و اقدامات الزام‌آور در محدود کردن سلاح‌های شیمیایی بوده تا شاید بتوان از این طریق از شدت خطرات و لطمات ناشی از سلاح‌های شیمیایی که منجر به انهدام گروه‌های انسانی بزرگ می‌شود جلوگیری کرد. در سال‌های اخیر مذاکرات بین‌المللی متعددی برگزار شده است که در واکنش به بکارگیری سلاح شیمیایی و در تلاش برای ممنوعیت آن بوده است.

۲-۲-۱- تلاش در ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی در دوران قبل از منشور سازمان ملل

با نگرشی در تاریخ مشاهده می‌شود که در اغلب تمدن‌های کهن کاربرد سلاح‌های شیمیایی (اگر تیرهای سمی را جز سلاح‌های شیمیایی تلقی کنیم) در زمان جنگ ناجوان‌مردانه تلقی شده و ممنوع گردیده است. به‌عنوان مثال در قوانین «مایو» که از کهن‌ترین قوانین هندوها است استفاده از تیرهای سمی در زمان جنگ منع شده است. (شاکری، ۱۳۷۷، ص ۴۹) همچنین رومیان استفاده از سموم را غیرقانونی دانسته و «جنگ را کارزار تسلیحات و نه سموم»^۲ توصیف کرده‌اند. (اردلان، ۱۳۸۹، ص ۹۹۶) نخستین توافق بین‌المللی در مورد محدودیت استفاده از گلوله‌های سمی را نیز موافقت‌نامه استرامبورگ میان دول فرانسه و امپراتوری مقدس ژرمانی در سال ۱۶۷۵ میلادی بر شمرده‌اند شاید از تلاش‌های بارزی که بعداً در مورد منع کاربرد تسلیحات شیمیایی صورت گرفته باشد بتوان به اعلامیه ۱۸۶۸ سن پترزبورگ در مورد استفاده از مواد منفجره کمتر از ۱۴ اونس در زمان جنگ را نشانه توجه دولت‌مردان آن زمان به منع استفاده از سلاح‌هایی که خلاف وجدان بشریت قلمداد شده‌اند دانست. سند دیگری که بر ممنوعیت مواد شیمیایی و میکروبی دلالت دارد، اعلامیه ۱۲۷ اوت ۱۸۷۴ بروکسل است. که در مورد «قوانین و آداب جنگ و ممنوعیت استفاده از سم و سلاح‌های سمی و پیچیده که منجر به رنج غیرضروری می‌شوند» می‌باشد. (مدنی، ۱۳۵۲، ص ۱۸) در سال ۱۸۹۹ از طرف دولت روسیه تزاری پیشنهادی جهت تشکیل یک کنفرانس چند جانبه جهت برقراری صلح دائمی و واقعی و جلوگیری از توسعه تسلیحات ارائه گردید.

1. <http://www.opcw.org/news/article/opcw-fact-finding-mission-compelling>

2. Aramis Bella Non venin's Geri

بدین ترتیب کنفرانس در لاهه با حضور بیست و شش کشور برگزار گردید، که به تدوین مقررات جنگ پرداختند. در بخشی از اعلامیه ۱۸۹۹ «انتشار گازهای خفه‌کننده یا زیان‌آور در جنگ ممنوع اعلام شده است» (اردلان، زمستان ۱۳۸۹، ص ۹۹۷) هشت سال بعد باز هم به ابتکار روسیه کنفرانس چند جانبه دیگری در لاهه در تاریخ ۱۵ ژوئن ۱۹۰۷ تشکیل شد. در این اجلاس بین‌المللی که ۴۴ کشور شرکت داشتند، کنوانسیون‌های مختلفی در مورد حقوق جنگ تدوین شد از نکات کنفرانس دوم در لاهه در مورد هدف پژوهش پیشرو ماده ۲۲ است، که بر این نکته اساسی اشاره دارد که «حق دولت‌ها در استفاده از ابزارهای آسیب رساندن به دشمن، نامحدود نیست» همین‌طور در ماده ۲۳ مقررات ناظر بر حقوق جنگ و عرف جنگ زمینی لاهه بر ممنوعیت استفاده از مواد و سلاح‌های سمی و گلوله‌ها و ابزارهای جنگی که رنج بیش از حد ایجاد می‌کنند تاکید نمودند. (مدنی، ۱۳۵۲، ص ۱۹) با شروع جنگ جهانی اول و نقض پیمان لاهه در طی جنگ، کشورهای فاتح در اعلامیه کنفرانس صلح ورسای در ماده ۱۷۱ «ساخت و واردات گازهای خفه‌کننده و مسموم‌کننده و سایر گازهای مشابه و همچنین مایعات و مواد و ابزارهای همانند» را به خاک آلمان ممنوع کردند. از دیگر از معاهدات بین‌المللی که حکایت از ممنوعیت کاربرد سلاح شیمیایی دارند، معاهده دریایی واشینگتن مورخ ۶ فوریه ۱۹۲۲ و کنوانسیون محدودیت جنگ افزارها میان کشورهای آمریکا مرکزی در ۷ فوریه ۱۹۲۳ می‌باشد. (اردلان، زمستان ۱۳۸۹، ص ۹۹۹) در سال ۱۹۲۴ از سوی جامعه ملل اجلاس متخصصان کشورهای مختلف برای مطالعه و بررسی سلاح‌های شیمیایی و باکتریولوژیک تشکیل گردید. در گزارشی که از سوی اجلاس مذکور منتشر گردید چند نکته عمده موجود بود. **نخست:** استفاده از گازهای سمی یک سلاح بسیار وحشت‌انگیز و دردآور محسوب می‌شود. **دوم:** کاربرد این سلاح‌ها باعث تشدید مخاصمات می‌گردد و نهایتاً مخفی نمودن و استتار سلاح‌های شیمیایی در سطح جهان بسیار زیاد است. از دیگر تلاش‌ها برای نوعیت سلاح‌های شیمیایی اجلاس ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵ بود. در این اجلاس نمایندگان ۳۸ کشور در مقر جامعه ملل در شهر ژنو گرد هم آمدند و موافقت‌نامه‌ای امضا کردند که به پروتکل ژنو معروف شد. در طی این کنفرانس پیشنهادهای مبنی بر منع صادرات سلاح شیمیایی مطرح شد، اما تعدادی از کشورها مخالفت کردند. سرانجام به‌عنوان مصالحه شرکت کنندگان در کنفرانس توافق نمودند، تنها کاربرد سلاح‌های شیمیایی را در جنگ غیرقانونی کنند. به‌عبارت دیگر پروتکل ژنو تنها دعوتی بود از کشورها برای عدم استفاده از سلاح شیمیایی. از مهمترین نقایص این پروتکل می‌توان به دو مورد اشاره کرد. نخست آنکه در آن هیچ‌گونه ضمانت اجرایی به‌ویژه در مورد نحوه تحقق در موارد نقض یا نحوه رفتار با کشورهای خاطی پیش‌بینی نگردیده بود. دوم: درباره مسئله توسعه، تولید و انباشت سلاح‌های شیمیایی هیچ‌گونه ممنوعیتی در نظر گرفته نشده بود. آخرین اقدامات برای ممنوع کردن سلاح‌های شیمیایی در دوران قبل از منشور ملل متحد می‌توان به قطعنامه کنفرانس عمومی خلع سلاح مورخ ۲۳ ژوئیه ۱۹۳۳ و قطعنامه شورا و مجمع جامعه ملل در ۱۶ مه و ۳۰ دسامبر ۱۹۳۸ اشاره کرد. که از دول عضو می‌خواستند که مقررات جنگ

بخصوص مقررات مربوط به منع استفاده از سلاح شیمیایی را رعایت نکنند. (ثقننی عامری، ۱۳۷۰، ص ۶۴)

۲-۲-۲- اقدامات خلع سلاح شیمیایی بعد از منشور سازمان ملل متحد

پس از پایان جنگ دوم جهانی در سال ۱۹۴۶ دادگاه نورنبرگ جهت محاکمه جنایتکاران جنگی برپا شد. در ماده ۱۶ اساسنامه دادگاه به مسئله ممنوعیت استفاده از سم و سلاح سمی اشاره شده است. با تاسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۶: در مقدمه منشور ملل متحد آمده است. «ما مردم ملل متحد با تصمیم به محفوظ داشتن نسل‌های آینده از بلای جنگ که دو بار در مدت یک عمر انسانی افراد بشر را دچار مصائب غیر قابل بیان نمود... بدینوسیله یک سازمان بین‌المللی که موسوم به ملل متحد خواهد بود تأسیس می‌نمایند». در بند یک ماده ۱۱ منشور ملل متحد «مجمع عمومی می‌تواند اصول کلی همکاری برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی من جمله اصول عام بر خلع سلاح و تنظیم تسلیحات را مورد رسیدگی قرار دهد و ممکن است در مورد اصول مذکور به اعضا، یا به شورای امنیت یا به هر دو توصیه‌هایی بنماید». در ماده ۲۶ منشور آمده است: «به منظور کمک به استقرار و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به وسیله به کار بردن تدابیری جهت صرف حداقل منابع انسانی و اقتصادی جهان برای تسلیحات، شورای امنیت مکلف است با کمک کمیته ستاد نظامی مذکور در ماده ۴۷ طرح‌هایی برای وضع اصول تنظیم تسلیحات تهیه و به اعضا ملل متحد تقدیم نماید.» همچنین در بند ۱ ماده ۴۷ منشور ملل: «برای راهنمایی و کمک به شورای امنیت درباره کلیه مسائل مربوط به نیازمندی‌های نظامی شورای امنیت برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و همچنین برای به کارگیری و فرماندهی نیروهای مسلحی که در اختیار شورا قرار داده شده و تنظیم تسلیحات و خلع سلاح احتمالی یک کمیته ستاد نظامی تأسیس می‌شود.» (ذاکریان، ۱۳۹۲، ص ۱۶ و ص ۲۰) از دیگر اقدامات تدوین قطعنامه‌ای از سوی کمیسیون سلاح‌های متعارف سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۴ است که به تصویب شورای امنیت رسید و طبق آن سلاح‌های شیمیایی در زمره سلاح‌های کشتار جمعی قرار گرفت. در بازه زمانی نیمه دوم دهه ۱۹۶۰ میلادی به علت بکارگیری سلاح شیمیایی در جنگ ویتنام توسط آمریکا و اختراع نسل جدید و خطرناک سلاح‌های شیمیایی و میکروبی توجه و نگرانی به مسئله سلاح‌های شیمیایی و میکروبی فزونی یافت. نمود این حساسیت و توجه را می‌توان در توجه به سلاح‌های شیمیایی و میکروبی در قالب بررسی خلع سلاح کامل در دستور کار مجمع عمومی در سال ۱۹۵۹ دانست. دولت‌های شوروی و انگلستان در اعلامیه‌های جداگانه پیشنهادهای خود را مبنی بر منع تولید و انهدام زرادخانه‌های شیمیایی و میکروبی به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه دادند، صدور این دو بیانیه توجه مجمع را به حمایت بیشتر از پروتکل ۱۹۲۵ ژنو جلب کرد. (اردلان، زمستان ۱۳۸۹، ص ۱۰۰۳) از دهه ۷۰ میلادی به بعد سازمان ملل یک ارگان مذاکره‌کننده بین‌المللی در مورد خلع سلاح و به تبع آن در مورد مسئله سلاح‌های شیمیایی داشته

است. این ارگ ان بین‌المللی به لحاظ تعداد اعضا و تحول و گستردگی مسائل چندین بار تغییر نام و عنوان داده است. از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۹ تحت عنوان کمیته ۱۸ ملیتی خلع سلاح (ENDC) فعالیت نمود، از سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۹ به کنفرانس کمیته خلع سلاح (CCD) تغییر عنوان یافت و اعضایش فزونی یافت. از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۴ با نام کمیته خلع سلاح و بالاخره در سال ۱۹۸۴ تبدیل به کنفرانس خلع سلاح شد که تنها ارگان مذاکره کننده چند جانبه خلع سلاح سازمان ملل می‌باشد. (Thomas Bernauer, 1990, P.50)

مجموعه اتفاقات دهه ۶۰ میلادی مجمع عمومی سازمان ملل را ترغیب کرد. که یک رشته قطعنامه را تصویب نماید، نخستین آنها قطعنامه B(XXL) ۲/۶۲ مورخ ۱۵ سپتامبر ۱۹۶۶ می‌باشد. دبیر کل وقت سازمان ملل (اوتانت) در گزارش سالانه ۸-۱۹۶۷ به مجمع عمومی اهمیت و حساسیت و فوریت رسیدگی به سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک را یادآور شد. در پی این گزارش مجمع عمومی در ۲۰ دسامبر ۱۹۶۸ قطعنامه A(XXIII) ۲۴۵۴ را مصوب کرد، که به دبیر کل اختیار تشکیل گروهی کارشناس برای بررسی علمی و فنی اثرات سلاح شیمیایی و میکروبی را می‌داد. همچنین از دیگر اقدامات سازمان ملل متحد در این بازه زمانی تصویب قطعنامه A(XXIV) ۲۶۰۳ مورخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد است که دولت‌ها را به حمایت از پروتکل ژنو و اجرای آن و تشویق دیگر دولت‌ها برای تصویب آن بود. (مدنی، ۱۳۵۲، ص ۲۰۰ و ۲۰۱) در اواخر سال‌های دهه ۷۰ میلادی موضوع سلاح‌های شیمیایی و میکروبی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در یک ماده جداگانه بحث شد. پس از آن دو دیدگاه در کمیته ۱۸ خلع سلاح به وجود آمد. نخستین دیدگاه از سوی کشورهای سوسیالیستی مطرح شد، و برخورد مشترک و یگانه به سلاح‌های شیمیایی و میکروبی و لزوم بررسی هم-زمان آنها مربوط بود. دیدگاه دوم بر تنظیم مقررات خاص مربوط به تسلیحات میکروبی و شیمیایی به صورت تفکیک شده از هم می‌پرداخت. این دو دیدگاه در بحث‌های خلع سلاح تا سال ۱۹۷۱ وجود داشت که سرانجام به جدایی دو موضوع سلاح‌های شیمیایی و باکتریولوژیک انجامید. از آن به بعد مسئله سلاح‌های شیمیایی به‌طور مستقل در کنفرانس کمیته خلع سلاح (CCD) بررسی می‌شد. سرانجام جدایی مسئله سلاح‌های میکروبی از شیمیایی سبب شد، در ۱۶ دسامبر ۱۹۷۱ دولت‌ها معاهده تحت عنوان "کنوانسیون سلاح‌های بیولوژیک" برای منع توسعه، تولید و انباشت و انهدام سلاح‌های بیولوژیکی و سمی تهیه و تصویب نمایند. (علایی، ۱۳۷۱، ص ۶۷) از آن زمان به بعد مذاکراتی نیز درباره ممنوعیت کامل سلاح‌های شیمیایی آغاز شد. اما این مذاکرات با دو مشکل اساسی رو به رو بود. نخست تعریف و توصیف سلاح‌های شیمیایی و دیگری ایجاد اعتماد و ضمانت اجرایی برای تبعیت از مقررات کنوانسیون. در میان سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۰ ده کشور عضو عدم تعهد، ژاپن، بریتانیا، همچنین اتحاد جماهیر شوروی و آمریکا بیانه‌ها و پیشنهادهاتی را در موضوع سلاح‌های شیمیایی به کمیته خلع سلاح ارائه دادند که حکایت از پیشرفت تدریجی در تمایل کشورها به ممنوعیت کامل مواد شیمیایی و تأسیس یک سیستم نظارت و بازرسی دقیق و دائمی بود. اهمیت این کوشش‌ها بر چند ملاحظه متکی بود. ۱- توسعه

روزافزون عوامل شیمیایی بسیار سمی مانند جنگ‌افزارهای شیمیایی دو ترکیبی (BG₂ و ZVX).^۲ پیشرفت وسایل پرتاب و انتقال سلاح شیمیایی به هدف‌های خارج از میدان نبرد،^۳ نگرانی و انزجار از آسیب دیدن از ناحیه این سلاح‌ها. (اردلان، ۱۳۸۹، ص ۱۰۰۴ و ۱۰۰۵) مجمع عمومی در سال ۱۹۸۲ با تصویب قطعنامه ۳۷/۹۸ گام بلندی در قانونی کردن بازرسی و نظارت بر دولت‌ها در زمینه ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی برداشت. به موجب قطعنامه مذکور از دبیر کل خواسته شده بود که به کمک کارشناسان به بررسی اطلاعات دریافت شده از طریق دولت‌های عضو راجع به نقض احتمالی پروتکل ۱۹۲۵ ژنو و مقررات جاری حقوق بین‌الملل بپردازد و به اعضا گزارش دهد. همچنین آزمایشگاهی مجهز برای کمک به بررسی‌های فوق تهیه کند.^۱

۲-۳- اقدامات خلع سلاح شیمیایی بعد از فاجعه حلبچه و انفال

پس از کاربرد سلاح‌های شیمیایی توسط دولت مرکزی عراق علیه مردم غیرنظامی شهر حلبچه در ۱۵ مارس ۱۹۸۸، دولت ایران در ۱۶ تا ۱۸ مارس ۱۹۸۸ با ارسال چندین نامه به دبیر کل سازمان ملل، با اشاره به استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی در منطقه عملیاتی والفجر ۱۰ و نیز مناطق گُرد نشین عراق و شهر حلبچه خواستار اعزام هیئت کارشناسی سازمان ملل برای بررسی موضوع شد. سرانجام دبیر کل سازمان ملل در ۲۵ مارس ۱۹۸۸ گروهی کارشناس به مناطق یاد شده اعزام نمود. گروه اعزامی گزارش‌هایشان را در ۱۴ آوریل ۱۹۸۸ به دبیر کل سازمان ملل منتقل کردند. دبیر کل گزارش بازرسان را به اطلاع شورای امنیت رسانید که به صدور قطعنامه ۶۱۲ در ۹ مه ۱۹۸۸ شد. در قطعنامه مذکور ضمن محکومیت استفاده از سلاح شیمیایی در مناطق یاد شده، از دو طرف منازعه خواسته شده بود که از به کارگیری سلاح شیمیایی خودداری کنند و به پروتکل ژنو ۱۹۲۵ پایبند باشند. همچنین شورای امنیت خواستار نظارت و محدودیت‌های شدید در مورد صدور تولیدات شیمیایی برای ساخت سلاح‌های شیمیایی شد. (گروه مطالعات حقوق بین‌الملل، ۱۳۶۸، ص ۱۰۵ و ۱۱۱)

به دنبال واقعه شهر حلبچه محافل رسمی و غیررسمی گزارشاتی در محکومیت آن به میان آوردند. از مهمترین آنها اعلام جرم دادستان وقت آلمان علیه شرکت‌های تولید کننده مواد شیمیایی که محصولات ممنوعه را به عراق صادر کرده بودند. بیانیه وزیر امور خارجه وقت اتریش در محکومیت فاجعه حلبچه در کنفرانس خلع سلاح در وین ۱۳۶۷، بیانیه هانس ویتریش گنشر وزیر امور خارجه آلمان و جفری هاو وزیر امور خارجه انگلستان در محکومیت رژیم عراق در کشتار مردم حلبچه و همچنین قطعنامه پارلمان اروپا و طرح مجازاتی سنای آمریکا علیه دولت عراق و نیز گزارش‌های نشریات مختلف و متعدد درباره استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی در حلبچه بود. (گروه مطالعات حقوق بین‌الملل، ۱۳۶۸، ص ۱۱۸ تا ۱۲۳)

1. The Report of Group of consultant Experts on Provisional Provisional Procedure to Uphold the Authority of the 1925 Geneva protocol.

پی برقراری آتش‌بس در جنگ میان عراق و ایران و همچنین انتشار اخبار فاجعه حلبچه در میان افکار عمومی جهان، کشورهای جنوب که شاهد استفاده گسترده عراق از یک‌سو و عدم واکنش قاطعانه و مناسب مجامع بین‌المللی و نیز ارزان بودن سلاح‌های شیمیایی که به‌عنوان (بمب اتمی فقرا) یاد می‌شد، سبب گشت که میان کشورهای یاد شده مسابقه تسلیحات شیمیایی در بگیرد و دولت‌ها به خرید یا احتمالاً تولید سلاح‌های شیمیایی روی آورند، این موارد و همچنین هراس و انزجار بین‌المللی که در پی فاجعه حلبچه روی داد قدرت‌های بزرگ را وادار به تسریع در روند انعقاد کنوانسیون‌هایی در محدود کردن و ممنوع کردن سلاح‌های شیمیایی کرد. در همین راستا کنفرانس‌ها و سمینارهای چند جانبه‌ای با هدف انعقاد کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی تشکیل گردید. مهمترین این کنفرانس‌ها، کنفرانس بین‌المللی پاریس ۱۹۸۹، کنفرانس بین‌المللی کنترل سلاح‌های شیمیایی در ۴ و ۵ آوریل ۱۹۸۹، تورنتو، کنگره بین‌المللی مبارزه با سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی و درمان قربانیان ۲۴ مه ۱۹۸۹ ژنو، سمپوزیوم بین‌المللی حفاظت در مقابل جنگ‌افزارهای شیمیایی از ۱۱ الی ۱۶ ژوئن ۱۹۸۹ استکهلم، کنفرانس دولتی و صنعتی علیه سلاح‌های شیمیایی از ۱۸ تا ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۹ در کانبرا استرالیا. از میان کنفرانس‌های سال ۱۹۸۹ کنفرانس پاریس و کنفرانس دولتی و صنعتی علیه سلاح‌های شیمیایی کانبرا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. در کنفرانس پاریس که با حضور ۱۴۹ کشور برگزار شد، مقرر گردید که اختیارات و مسئولیت دبیر کل سازمان ملل در زمینه هر گونه بازرسی فردی در کشورهای دارای سلاح شیمیایی افزایش یابد. همچنین در کنفرانس کانبرا اعضای شرکت کننده به تفکیک میان مواد شیمیایی مرگ‌آور و مواد مثبت در جهت رفاه حال و بهبود زندگی انسان‌ها و همچنین اجماع نظر بر سر تصویب یک کنوانسیون جامع خلع سلاح شیمیایی در اسرع وقت پرداختند. (نجفی، ۱۳۷۲، ص ۳۷ و ۳۸)

روند حوادث و وقایع در میان سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ به گونه‌ای رقم خورد که اکثریت کشورهای جهان در انعقاد کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی متفق‌القول شدند. سرانجام پیش‌نویس آماده شده در ۱۹۸۵ (CD/ 636) پس از اصلاحات اساسی در ۱۹۲ صفحه تحت عنوان کنوانسیون بین‌المللی ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی (CWC) در کنفرانس خلع سلاح سازمان ملل متحد در اول دسامبر ۱۹۹۲ به تصویب رسید و سرانجام در ۱۳ ژانویه ۱۹۹۳ برای امضا در پاریس در اختیار دولت‌ها قرار گرفت، که در ۲۹ آوریل ۱۹۹۷ با عضویت ۸۷ دولت قدرت اجرایی یافت. در واقع کنوانسیون مذکور کامل‌ترین سند بین‌المللی ممنوعیت کاربرد سلاح‌های شیمیایی است که با هدف یافتن راه‌کارهایی برای ایجاد تقویت رژیم حقوقی تضمین‌کننده ممنوعیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی و ایجاد ساز و کارهای نظارتی در چهارچوب منع گسترش، تولید، انباشت و بکارگیری سلاح‌های شیمیایی و انهدام آنها می‌باشد.

(CWC) که نخستین پیمان خلع سلاح و عدم اشاعه است از چند ویژگی مهم برخوردار است. به هیچ‌گونه تبعیض آمیز نیست و اعضای آن از برابری حقوقی برخوردارند و نیز اعضا با محک راستی آزمایی نظارت خواهند شد. که موجب از میان بردن تردیدها خواهد شد. کنوانسیون یاد شده ۲ هدف بنیادین را

دنبال می‌کند. اولین هدف عبارت است از انهدام تمامی سلاح‌های شیمیایی، و با چند استثناء نابودی تمامی تأسیسات تولید سلاح‌های شیمیایی که در مواد (I و III و IV و V) سند کنوانسیون عنوان شده است، و دومین هدف آن ممانعت از اشاعه سلاح‌های شیمیایی با راهکارهای مشخص آن که در ماده یک و شش سند مذکور تصریح شده است.¹

نتیجه‌گیری

رویدادها و تحولات بین‌المللی ضمن اینکه واحدهای سیاسی را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد بر دانش حقوقی نیز اثر گذارند. در واقع پویایی حقوق به پیروی از تحولات و وقایع بین‌المللی صورت می‌گیرد. در این میان وقایع دهشتناک بمباران شیمیایی حلبچه و سلسله عملیات نسل‌کشی انفال که در چهارچوب سرکوب مردمان کرد عراق صورت گرفت چنان اثری در جامعه جهانی نهاد که دو دستاورد را برای جامعه انسانی و پویایی حقوق بین‌الملل در پی داشت.

نخستین دستاورد تصویب کنوانسیون منع گسترش، تولید، انباشت و بکارگیری سلاح شیمیایی و انهدام آن‌ها معروف به کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی در ۳۱ ژانویه ۱۹۹۳ بود که از طرفی در پی انتشار اخبار منفی این فاجعه در میان افکار عمومی جهان که موجبات هراس و انزجار بین‌المللی را فراهم نمود و از طرف دیگر استفاده گسترده عراق از سلاح شیمیایی و عدم واکنش قاطعانه و مناسب مجامع بین‌المللی سبب شد دیگر دولت‌ها با خرید یا تولید تسلیحات شیمیایی به مسابقه تسلیحات شیمیایی روی آورند، این موارد قدرت‌های بزرگ را وادار به تسریع در روند یافتن راهکارهایی برای ایجاد و تقویت رژیم حقوقی که تضمین‌کننده ممنوعیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی و ایجاد ساز و کارهای نظارتی در چهارچوب منع گسترش، تولید، انباشت و بکارگیری سلاح‌های شیمیایی و انهدام آنها باشد نمود.

دومین دستاورد: تصویب قطعنامه ۶۱۲ و ۶۸۸ شورای امنیت سازمان ملل در موضوع لزوم انجام مداخله بشر دوستانه برای پایان دادن به آلام انسانی مردمان کردستان عراق بود که ضمن محکومیت استفاده از سلاح شیمیایی در مناطق شمال عراق بود و هم‌زمان خواهان حق دسترسی آزادانه به آسیب دیدگان اوضاع اضطراری برای سازمان‌های بشر دوستانه با ایجاد دالان یا منطقه امن برای محافظت و مداخله بشر دوستانه در داخل قلمرو سرزمینی و هوایی دولت عراق شد. آنچه که این مداخله را از مواد تاریخی پیشین متمایز می‌سازد به لحاظ تحول مداخله انفرادی دولت‌ها به اقدام جمعی جامعه بین‌المللی توسط سازمان‌های بین‌المللی است، شورای امنیت در امری مداخله نمود که براساس حقوق بین‌الملل یک موضوع داخلی یک عضو سازمان ملل به حساب می‌آمد. در واقع اقدام چند ملیتی که در چهارچوب قطعنامه ۶۸۸ سازمان ملل انجام شد احتمالاً زمینه ساز مشروعیت اقدامات بعدی که در یوگسلاوی سابق، سومالی، کوزو و لیبی بوده را به وجود آورد و در واقعیت از آن زمان است که جامعه بین‌المللی

1. <http://www.opcw.org/glance/timeline>.

تمایل خود را به اتکا بر ملاحظات بشر دوستانه به‌عنوان مبنایی برای مداخله در آنچه اساساً مناقشات داخلی است نشان داده است و به نظر می‌رسد که این تحول در مفهوم مداخله بشر دوستانه در سال‌های بعد از آن پایه‌گذار دکترین مسئولیت حمایت "Responsibility to Protect" در سال ۲۰۰۳ شد. که به پیشنهاد دولت کانادا در اصلاحات منشور ملل متحد در سال ۲۰۰۵ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید. در پایان به این ضرب‌المثل فرانسوی اشاره می‌شود، شور بختی عده‌هایی موجبات نیک بختی دیگران را فراهم می‌کند. در واقع مردمان کرد عراق با یادآوری تندیس آن کودک آرامیده در آغوش پدر (که به نماد تراژدی حلبچه معروف شد) این پیام را به همگان دادند که جان یک کودک بیش از هر مرزی ارزش دارد.

فهرست منابع

- _ حسین سرتیپی، مداخله بشر دوستانه، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- _ Encyclopedia of public international law, North Holland publishing Company, Vol.3(A-M).
- _ ژاک مورژن، مداخله بین‌المللی بشر دوستانه، ترجمه محمد صور اسرافیل، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی.
- _ E. De Vattel, Le Droit Des Gens, at Ch. IV para 55, Quoted in Fonteyne, THE CUSTOMARY INTERNATIONAL LAW DOCTRINE OF HUMANITARIAN INTERVENTION: ITS CURRENT VALIDITY UNDER THE U.N. CHARTER.
- _ Grotius, De Jure Belli Esti PACIS, p. 438, Quoted in Fonteyne, Ibid.
- _ See C. H. M. Warlock, The Regulation of the force by Individual States in International Law, RCADI.
- _ Oppenheim, Lauterpact, International Law, London.
- _ The International Dictionary, The Hague North Holland Publishing Co.
- _ سعید میرزایی ینگچه، تحول مفهوم حاکمیت در سازمان ملل متحد، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- _ سعید میرزایی ینگچه، تحول مفهوم حاکمیت در سازمان ملل متحد، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- _ سعید میرزایی ینگچه، تحول مفهوم حاکمیت در سازمان ملل متحد، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- _ جوینر، حمله آمریکا به گرانادا، پیامدها و وجاهت قانونی آن، ترجمه اسدالله کریمی، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران.
- _ ربکا والاس، حقوق بین‌الملل، ترجمه سید قاسم زمانی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- _ تاریخ جنایت بار جنگ شیمیایی از آغاز تا حلبچه.
- _ اسعد اردلان، سلاح‌های شیمیایی و حقوق بین‌الملل، فصلنامه سیاست خارجی.
- _ حسین علایی و بابک خواجه کاوسی، صنایع تسلیحات و خلع سلاح شیمیایی، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- _ حسین علایی و بابک خواجه کاوسی، صنایع تسلیحات و خلع سلاح شیمیایی، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

_ [HTTP://www.OPCW.org//29April/why-we-Remember.HTM](http://www.opcw.org//29April/why-we-Remember.HTM)

_ حمید بعیدی نژاد، سیستم‌های نظارت بر اجرای تعهدات در کنوانسیون سلاح شیمیایی، وزارت امور خارجه، بی‌تا.

_ Bailey, Sydney D. Prohibitions and Restraints in war. Ok. Oxford University Press.

_ رضا نجفی، عوامل موثر و دلایل تدوین کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.

_ اسعد اردلان، سلاح‌های شیمیایی و حقوق بین‌الملل، فصلنامه سیاست خارجی.

_ <http://www.opcw.org/news/article/opcw-fact-finding-mission-compelling>

_ حسین شاکری، کاربرد سلاح‌های شیمیایی از دیدگاه حقوق بین‌الملل، پایان نامه دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه.

_ اسعد اردلان، سلاح‌های شیمیایی و حقوق بین‌الملل، فصلنامه سیاست خارجی.

_ مدنی، سید جلال الدین، خلع سلاح و سازمان ملل متحد، انتشارات چاپ خواندنی‌ها.

_ اسعد اردلان، سلاح‌های شیمیایی و حقوق بین‌الملل، فصلنامه سیاست خارجی.

_ مدنی، سید جلال الدین، خلع سلاح و سازمان ملل متحد، انتشارات چاپ خواندنی‌ها.

_ اسعد اردلان، سلاح‌های شیمیایی و حقوق بین‌الملل، فصلنامه سیاست خارجی.

_ ناصر، ثقفی عامری، مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

_ مهدی ذاکریان، متون کلیدی حقوق و روابط بین‌الملل، انتشارات تیسرا.

_ اسعد اردلان، سلاح‌های شیمیایی و حقوق بین‌الملل، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۲۴.

_ Thomas Bernauer, the projected chemical weapons convention, UN, New York.

_ مدنی، سید جلال الدین، خلع سلاح و سازمان ملل متحد، انتشارات چاپ خواندنی‌ها.

_ حسین علایی و بابک خواجه کاوسی، صنایع تسلیحات و خلع سلاح شیمیایی، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

_ اسعد اردلان، سلاح‌های شیمیایی و حقوق بین‌الملل، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۲۴.

_ The Report of Group of consultant Experts on Provisional Provisional Procedure to Uphold the Authority of the 1925 Geneva protocol.

_ گروه مطالعات حقوق بین‌الملل، حقوق بین‌الملل و سلاح‌های شیمیایی (۲)، مجله سیاست خارجی دفتر

مزالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، شماره ۱.

_ نجفی، رضا، پایان‌نامه کنوانسیون ۱۹۹۲ ممنوعیت سلاح شیمیایی، دانشکده روابط بین‌الملل، وزارت امور خارجه.

_ <http://www.opcw.org>